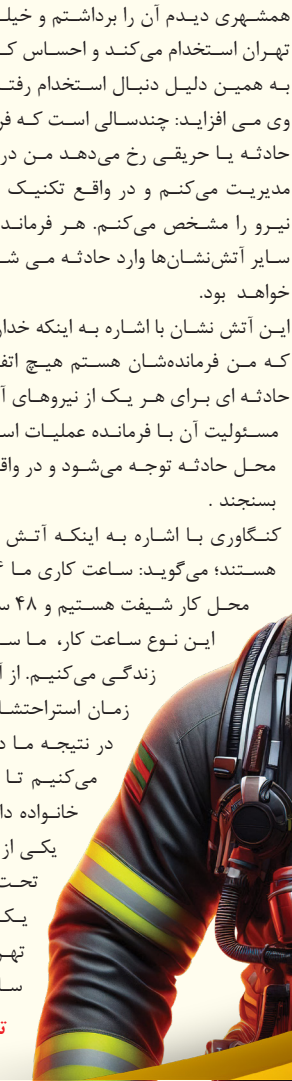




ساختمان‌ها را به رعایت نکات ایمنی سوق دهد زیرا مجموعه این عوامل باعث حفظ جان و مال مردم می شود و این مسئله اصلا شوخی بردار نیست.
یک قرن نبرد با آتش و حادثه در تهران/ نگاهی به چالش‌های ۱۰۰ ساله آتش‌نشانان در روز آتش‌نشان



همشهری دیدم آن را برداشتم و خیلی اتفاقی دیدم سازمان آتش نشانی تهران استخدام می‌کند و احساس کردم شاید راه و تقدیر من این باشد به همین دلیل دنبال استخدام رفتم و موفق هم شدم.
وی می افزاید: چندسالی است که فرمانده عملیات شده‌ام، یعنی وقتی حادثه یا حریق‌ی رخ می‌دهد من در بیرون از محل حادثه، عملیات را مدیریت می‌کنم و در واقع تکنیک مقابله با آن حادثه و وظیفه هر نیرو را مشخص می‌کنم.
هر فرمانده یک معاون فرمانده دارد که با سایر آتش‌نشان‌ها وارد حادثه می شود و چشم فرمانده در محل حادثه خواهد بود.

این آتش نشان با اشاره به اینکه خدار و شکر تاکنون برای آتش نشانانی که من فرمانده‌شان هستم هیچ اتفاقی رخ نداده، ادامه می‌دهد: اگر حادثه ای برای هر یک از نیروهای آتش نشانی در محل حادثه رخ دهد، مسئولیت آن با فرمانده عملیات است اما در قوانین بیشتر به شرایط محل حادثه توجه می‌شود و در واقع هر یک از افراد باید شرایط را بسنجند .

کنگاوری با اشاره به اینکه آتش نشانان خیلی به یکدیگر نزدیک هستند؛ می‌گوید: ساعت کاری ما ۲۴ ، ۴۸ است یعنی ما ۲۴ ساعت در محل کار شیفت هستیم و ۴۸ ساعت استراحت می‌کنیم. به خاطر این نوع ساعت کار، ما ساعات زیادی را در کنار همکارانمان زندگی می‌کنیم. از آنجایی که بیشتر آتش نشانان در زمان استراحتشان به شغل دیگری نیز مشغولند در نتیجه ما در کنار همکارانمان بیشتر زندگی می‌کنیم تا در کنار خانواده‌هایمان و انگار دو خانواده داریم. به همین دلیل وقتی برای یکی از ما اتفاقی افتد زندگی کل همکاران تحت تاثیر قرار می‌گیرد.

یک قرن نبرد با آتش و حادثه در تهران/ نگاهی به چالش‌های ۱۰۰ ساله آتش‌نشانان در روز آتش‌نشان

تجهیزات انفرادی ما ضعیف است

به مناسبت روز آتش نشان؛ آتش‌نشانی؛ شغلی به گرمی شعله های آتش در دل حادثه ها

ما فرهنگ ایمنی نداریم

سعی می‌کنم فرهنگ ایمنی را در کشور بالا ببرم

فلاح زاده با اشاره به فعالیت‌های اینستاگرامی برای ارتقاء فرهنگ ایمنی می‌گوید: حدود پنج سال پیش تصمیم گرفتم علم و مهارتی را که به عنوان یک آتش‌نشان کسب کرده‌ام و تجربه‌ای را که دارم با مردم به اشتراک بگذارم و از این طریق هم فرهنگ ایمنی را بالا ببرم و هم آموزش‌هایی ارائه دهم که از وقوع حوادث جلوگیری کنم و اینچنین شد که در شبکه اجتماعی اینستاگرام شروع به کار کردم و هر روز چند کلیپ در حوزه‌های مختلف پیگیری از حوادث و ایمنی تولید و منتشر می‌کنم .

وی می‌افزاید: من شاهد هستم که در همین شهر تهران نیز، فرهنگ ایمنی وجود ندارد و بسیاری از مردم حتی ساده ترین نکات ایمنی را نیز بلد نیستند و این‌گونه است که در عروسی‌ها و تولدها شاهد هستیم که بادکنک‌هایی که به عنوان بادکنک هلیومی فروخته می‌شوند، جان افراد را می‌گیرد و روز جشن را به روز عزای تبدیل می‌کند در حالی‌که با رعایت نکات ساده می‌توان از این فحایع جلوگیری کرد. من در صفحه اجتماعی خودم تلاش می‌کنم همین نکات را که در زندگی روزه مره همه شهروندان مورد نیاز است، آموزش دهم تا کمتر شاهد وقوع حوادث مختلف باشیم.

فلاح زاده با تاکید بر اینکه در کشورمان اهمیت ایمنی دست کم گرفته می‌شود، می‌گوید: موارد ایمنی انقدر در کشور ما کم اهمیت شمرده می‌شوند که اگر روزی یک نفر بخواهد به افراد آموزش ایمنی دهد همه تصور می‌کنند که قصد فروش ایمنی و درآمذزایی را دارد در صورتیکه من معتقدم حتی اگر کسی بخواهد ایمنی را بفروشد نیز، هیچ اشکالی ندارد چون این کار باعث حفظ جان و مال افراد می‌شود. علاوه بر این، برخی ادارات از ما آتش‌نشانان می‌خواهند که برای پرسنلشان، کلاس های ایمنی برگزار کنیم و این مسئله باعث می‌شود فرهنگ ایمنی در آن اداره بالا بیروند و جان افراد کمتر در خطر بیافتند.

این آتش نشان ادامه می‌دهد: در مجموع من معتقدم این آموزش‌های ایمنی، باید به صورت عمومی و در دسترس همگان به صورت رایگان قرار گیرد تا همه یاد بگیرند چه اقداماتی انجام دهند که شاهد حوادث نباشیم و چه اقداماتی انجام ندهند که حوادث ایجاد شوند و اینگونه میزان حوادث و تلفات و خسارات ناشی از آن کاهش می‌یابد. ایمنی، به همه افراد یک جامعه مربوط است و همه مردم از کودک تا سالمند باید آموزش ایمنی ببینند.

تعداد آتش‌نشانان در کشور کم است

تا شرایط ایده آل خیلی فاصله داریم

فلاح زاده می‌گوید: بر اساس استانداردهای موجود، به عنوان مثال در همین ایستگاه ۴۶ ، باید در هر شیفت ۱۳ تا ۱۴ نفر نیرو داشته باشیم اما در حال حاضر در هر شیفت تعداد ما هشت نفر است. یعنی ما در هر شیفت کمبود نیرو داریم که این مسئله باعث می‌شود هم فشار روی نیروها زیاد شود و هم در حوادث بزرگ نیاز به کمک سایر ایستگاه‌ها پیدا کنیم. در زمینه تجهیزات نیز توسط مدیریت سازمان اقدامات خوبی انجام شده اما نیاز است قوی‌تر شویم و ای کاش هر چند سال یک بار تجهیزات ما کاملا نو شوند ولی هنوز تا شرایط ایده آل هنوز خیلی فاصله داریم. این موضوع در دیگر شهرهای کشور که بیشتر هم وجود دارد.

آتش نشان شدن در تقدیرم بود!

مهدی کنگاوری، یکی از فرماندهان عملیاتی آتش‌نشانی تهران نیز در گفت و گو با ایسنا می‌گوید: من سال ۷۹ وارد سازمان آتش نشانی شدم و دانستن ورودم به سازمان اینگونه بود که من شغل آزاد داشتم و حتی درآمدم نیز خوب بود اما یک روز با صاحبکارم به مشکل برخوردیم و استعفا دادم. همان روز وقتی به خانه رسیدم روی میز یک روزنامه

اجتماعی

وب‌ژه اطلاع رسانی اشغال
www.bazarekar.ir

بازارکار

دوشنبه ۹ مهر ۱۴۰۳- ۲۶ ربيع الاول ۱۴۴۶- ۳۰ سپتامبر ۲۰۲۴- سال بیست و چهارم- شماره ۱۳۸۱

وقتی حرف از استانداردهای جهانی می‌شود، همه چیز ما باید استاندارد شود. به این معنا که هم تجهیزات و آموزش‌ها باید به روز شود و هم اینکه شرایط کاری برای آتش‌نشانان باید به گونه ای باشد که وقتی سر شیفت و عملیات هستند هیچ دغدغه فکری دیگری جز مهار آتش و خدمت رسانی بهتر نداشته باشند که در حال حاضر شرایط ما انقدر مطلوب نیست و امیدوارم سازمان آتش نشانی به این مسائل نیز توجه کند .

آتش‌نشانان تهرانی جزو مشاغل سخت نیستند چرا شهرداری قانون را رعایت نمی‌کند؟

فرج ولی زاده کارشناس آتش‌نشانی نیز در گفت وگو با ایسنا می‌گوید: من از بچگی به مشاغل عملیاتی و هيجانی مثل خلبانی، مشاغل نظامی و آتش‌نشانی علاقه داشتم. وقتی بزرگتر شدم دنبال هر سه این کارها رفتم اما موقعیت آتش‌نشانی زودتر برایم فراهم شد و چون چند بچه محلمان آتش نشان بودند، من هم به دنبال این کار رفتم.

وی با اشاره به اینکه آتش‌نشانان از شرایط قانونی رضایت ندارند؛ می‌افزاید: خداروشکر از شغلم با همه سختی‌هایش راضیم اما برخی مسائل اداری و قوانین ما را آذیت می‌کند که امیدواریم اصلاح شوند. مثلا با اینکه کار ما بسیار خطرناک و سخت است و در قانون نیز عنوان شغل آتش‌نشان، جزو مشاغل سخت و زیان آور محسوب شده و بر همین اساس ما باید با ۲۰ سال سابقه کار بازنشسته شویم و از سایر مزایای این سختی کار استفاده کنیم، متاسفانه این‌ امر تحقق پیدا نکرده است. این آتش نشان ادامه می‌دهد: همه آتش نشانان در سراسر کشور، مشمول قانون سختی کار می‌شوند اما در تهران چون سازمان آتش نشانی تحت پوشش بیمه شهرداری تهران است و بیمه ما نیز همانند سایر آتش‌نشانی‌ها نیست؛ این قانون برای ما اجرا نمی‌شود و هر بار که بپگر این حق خود می‌شویم نتیجه ای حاصل نمی‌شود.

این کارشناس آتش‌نشانی می‌گوید: سازمان آتش نشانی در سال‌های اخیر اقدامات خوبی در زمینه های مختلف انجام داده است. به عنوان مثال ریاست فعلی سازمان، طرح ساخت مسکن برای آتش نشان تهرانی را کلید زد که به این خاطر از او متشکریم، اما من به خاطر دارم که مسئله سختی کار ما اولین وعده ایشان بود که هنوز عملی نشده است و حق ما دراین باره اِجحاف می‌شود.

آتش‌نشانان امانت دار مردم هستند

امیر خلیل پور، کاردان آتش‌نشانی نیز در گفت وگو با ایسنا می‌گوید: هر یک از ما بعد از اینکه چند سال آتش‌نشان باشیم می‌توانیم در دوره های مختلف کاردانی و کارشناسی شرکت کنیم و درجه خود را بالا ببریم. من کاردان آتش‌نشانی هستم و چون گواهینامه پایه یک دارم، راننده خودرو سنگین آتش‌نشانی به نام خودروی پس رو یا همان خودروی دوم در عملیات‌ها هستم،البته ما به جز رانندگی، در صورت نیاز وارد عملیات نیز می‌شویم اما بیشتر وظیفه رساندن آتش نشانان و تجهیزات را به محل حادثه داریم.

این آتش‌نشان با اشاره به وظایف راننده‌ها در آتش‌نشانی ادامه می‌دهد: ما در برنامه هر شیفت، طرح شهرشناسی داریم یعنی بیشتر در ساعت خلوتی شهر، به مراکز مختلف منطقه عملیاتی خود می‌رویم تا کوچه‌ها و خیابان‌ها را یاد بگیریم تا در عملیات‌ها زودتر آدرس را پیدا کنیم. همچنین اگر خیابانی مسدود شده باشد، معمولا پلیس راهور به ما اعلام می‌کند اما ما هم خودمان مسیرها را بررسی می‌کنیم.

ما از این آتش‌نشان درخواست کردیم تا اگر خاطره تلخی از عملیات‌ها دارد؛ برایمان تعریف کند اما وی در پاسخ به این خواسته ما می‌گوید: من معتقدم ما آتش‌نشان‌ها مثل دکترها باید امانت دار مردم باشیم و اتفاقی که رخ می‌دهد را هیچوقت برای کسی بازگو نکنیم تا این اعتماد مردم برای ما بماند.ما همیشه زودتر شهروندان می‌رویم که شرایط روحی و جسمی بدی دارند بنابراین این مسائل نباید بازگو شود تا برای افراد دیگر نیز تراحتی ایجاد نکند. هر کسی که من را می‌شناسد این اخلاق من را می‌داند برای همین حتی همسرم نیز درباره عملیات‌ها از من سوال نمی‌پرسد و به این مسئله احترام می‌گذارد. پشت سر آتش نشانان هیچ حرف و حدیثی وجود ندارد

رانند ماشین آتش‌نشانی پراسترس است

بیژن فراهانی یکی دیگر از آتش نشانان در گفت وگو با ایسنا درباره ماجرای آتش‌نشانی شش می‌گوید: سال ۸۶ بود که من به صورت حرفه ای بسکتبال بازی می‌کردم. یک روز یک نفر من را در سالن ورزشی دید و گفت که خیلی به درد کار آتش‌نشانی می‌خورم. از همان جا این جرقه در ذهن من زده شد و به دنبال استخدام در آتش‌نشانی رفتم و همان سال در تمام آزمون‌ها قبول شدم و بعد از آموزش‌های تخصصی، به عملیات رفتم. خانواده ام مخالفتی با آتش نشان شدن من نداشتند اما من بچه یکی موند به آخر هستم و مجرد، مادرم هر شیفت برایم دعا می‌کند و نگرانم است حتی در هر شیفت حداقل یک بار تماس می‌گیرد و جویای احوالم است.

این کاردان آتش نشانی ادامه می‌دهد: شغل ما سختی‌های بسیاری دارد اما دالما ذکر خیر پشت سر ما است و من تاثیر آن را در زندگی شخصی‌ خودم دیده‌ام و به این خاطر خدا را شاکرم. مثلا همیشه دیده و شنیده‌ایم که می‌گویند کارمندان بانک انقدر در سال وام می‌گیرند یا کارکنان شرکت‌های خوردروسازی سالانه سهمیه خودرو دارند اما هیچوقت پشت سر آتش‌نشانان هیچ حرف و حدیثی وجود ندارد و هرکس هرکجا که ما را می‌بیند به ما خسته نباشید می‌گوید و این قدردانی‌ها واقعا دلگرم کننده است.

این آتش‌نشان که راننده خودروی پیش رو آتش‌نشانی است، در پاسخ به پرسش که اگر با خودروی سنگین آتش‌نشانی تصادفی صورت گیرد؛ چه کسی مقصد است؛ می‌گوید: هنگامی که ما در اعزام به ماموریت هستیم اگر تصادفی رخ دهد، راننده مقصد نیست چون باید در کمترین زمان ممکن به محل حادثه برسیم اما در زمان بازگشت از ماموریت، خودروی ما نیز مثل یک خودروی معمولی است و نباید تخلفی انجام دهد. اینکه ما از خط ویژه تردد می‌کنیم به این علت است که در صورت اعلام ماموریت دیگری، جلوی راه ما باز باشد و زودتر به حادثه بعدی برسیم.

به گزارش ایسنا، فراهانی درباره اهمیت شغل رانندگی ماشین‌های سنگین در سازمان آتش‌نشانی می‌گوید: من مدت هاست راننده هستم و دیگر وارد محل حادثه نمی‌شوم و بیشتر کارهای آبرسانی و پشتیبانی را در عملیات‌ها انجام می‌دهم و از کانون حادثه دور هستم اما رانندگی در شهری مثل تهران، آدرس‌یابی دقیق و سریع نیز استرس‌های خود را دارد و کمتر از کار آتش‌نشانی نیست.

گزارش: مبینا آقاخانی